



وزن شعر فارسی

و

رابطه آن با اوزان قدیم ایران

مانده از شماره ۳-۴ سال اول

(۳)

۵- طرز انشعاب ترانه‌های عامیانه از یکدیگر

اوزان ترانه‌های عامیانه محلی، طبق یک قاعده واصل طبیعی، از یکدیگر منشعب شده‌اند. برای نشان دادن این امر لازم است بذکر مثالی پردازم:
فرض کنیم منحرکسی از قبیل واگونهای راه‌آهن، بایک حرکت یکتواخت، روی خط حرکت میکند. در نتیجه دوران چرخها، متواباً، یک ضرب قوی و دنبال آن یک ضرب ضعیف (یعنی ضرب) و سپس دوضرب قوی بدنبال هم تکرار میشود. و باز فرض کنیم که دریک دور چرخ، این چهار ضرب متواالی، دو مرتبه تکرار شود، حال اگر در آخر دوران یک چرخ، وقفه‌ای احساس شود ما میتوانیم بایان یک دور چرخ را دریابیم. برای سهولت بیان، مجموع هر چهار ضرب متواالی را یک ادقاع مینامیم و میگوئیم یک دور چرخ دو ادقاع است. حال ضرب قوی را با علامت هجایی، بلند: ٤ و ضرب ضعیف را با علامت هجایی کوتاه: ٤ نشان داده میگوئیم حاصل یک دور چرخ، مجموع دو ادقاع است به این شکل: ٤ ٤ ٤ ٤ ٤ ٤ حرکت چرخ

* آقای محمد امین ادب طوسی، استاد دانشمند دانشگاه.

ادامه میابد و تا بی نهایت شکل فوق تکرار میشود و اگر حرکت چرخ سریع تر شود احساس مبکتیم که محل اجزاء ایقاعات تغییر میکند و از شکل: **٢١٢١٢١٢١** اشکال: **٢١٢١٢١**، **٢١٢١٢١** و **٢١٢١٢١**، **٢١٢١٢١** حاصل میشود و باز اگر در پایان هر یک از چهار ضرب یک ایقاع، احساس و قهکنیم به ترتیب اشکال چهار گانه زیر:

٢١٢١، **٢١٢١٢١٢١٢١**، **٢١٢١٢١**؛ **٢١٢١**

(در صورتی که وقه در ایقاع اول باشد) و یا اشکال سه گانه: **٢١٢١٢١٢١**؛ **٢١٢١**، **٢١٢١**، **٢١٢١٢١** (در صورتی که وقه در ایقاع دوم باشد) و در نتیجه، از یک شکل هشت ضربی، دو هشت ضربی نوع دیگر و دو هشت ضربی و دو شش ضربی و دو پنج ضربی و یک چهار ضربی بدست میآید.

اوزان ترانه‌های عامپانه نیز همین حال را دارند و اگر مثلاً یک هشت‌هجاء را چند مرتبه دنبال‌هم و بسرعت تکرار کنیم تغییرات زیر در اجزاء آن قابل پیش‌بینی می‌باشد:

- ۱) هجاء یا پایه آخر، به‌اول منتقل میشود.
- ۲) هجاء یا پایه اول، به‌آخر نقل میشود.
- ۳) هجاء یا پایه اول، در آخر تکرار میشود.
- ۴) هجاء یا پایه آخر، در اول تکرار میشود.
- ۵) هجاء یا پایه اول حذف میشود.
- ۶) هجاء یا پایه آخر حذف میشود.
- ۷) شطر ترانه تکرار میشود.
- ۸) تمام ترانه تکرار میشود.

این تغییرات که نتیجه طبیعی ناشی از تکرار یک ترانه است موجب شده که از یک وزن، اوزان دیگری منشعب گردد. مابطэр نمونه یک ترانه عامپانه پنج‌هجائي را موردمثال قرار میدهیم و تغییرات فوق را در آن عملانشان میدهیم. برای مثال، این پنج‌هجائي کرمانشاهی را در نظر میگیریم که در غالب نقاط ایران نمونه آن موجود است: **دسمال کردی** **دلمرابردی**: **-٢١٢١٢١ = تنا تنا تن** وزن ترانه فوق یک پنج‌هجائي است که به نسبت ۲+۵ تقسیم میشود و میتواند منشاء اوزان زیر باشد:

۱) هجای آخر به‌اول منتقل شود: **٢ - ٢١٢١ = تن تنا تنا**:

حاجی فیروزه **سالی یکروزه**

۲) هجای اول به‌آخر منتقل شود: **٢١٢١ - ٢ = تن تنا تنا**:

بجه کرمونشاه **بیسعون جاشه**

۳) پایه آخر به اول منتقل شود: $\underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن، تا:}$

توجفتک بازی

لغت اندازی

۴) هجای آخر در اول تکرار شود: $- \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

از بس حقه بازه

دستونش درازه

۵) هجای اول در آخر تکرار شود: $\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا:}$

لای لای گلیم باشی

یار دلم باشی

۶) پایه اول در آخر تکرار شود: $- \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

ویلون سرگرد ونم

در کار خود حیر و نم

۷) هجای اول حذف شود: $\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن:}$

ذذ نادون

زد بکادون

۸) از تکرار وزن چهار هجایی فوق هشت هجایی زیر بدست می آید:

$\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}}, \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

وقت خوردن قلچمامق

وقت کارگردان چلاقم

۹) هجای آخر حذف می شود: $- \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن:}$

کارش چیه

وراجیه

۱۰) از تکرار وزن چهار هجایی فوق هشت هجایی زیر حاصل می شود:

$- \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

اتکور باغ عسگری

از برگ سل فاز حتری

۱۱) از هشت هجایی شماره (۸) طبق همان قواعد، اوزان تازه استخراج می شود.

مثلًا با نقل هجای اول به آخر این هشت هجایی بدست می آید:

$\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

الا لا لا حمل لا له پلنگ در گوه مینا له

۱۲) از همان هشت هجایی، با حذف هجای اول، هفت هجایی حاصل می شود:

$\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

بنا عریضه میشه

بتهرون گفته میشه

۱۳) از همان هشت هجایی، با حذف هجای آخر، هفت هجایی بدست می آید:

$\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن:}$

نوت چنگالی داره

از عسل شیرین تره

۱۴) با تکرار شطر هشت هجایی فوق، دوازده هجایی لری بدست می آید:

$\underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} - \underline{\text{ل}} \underline{\text{ل}} = \underline{\text{ن}} \text{ تا تن تا تن تا تن تا تن:}$

یاک گلی گوشلا چمن تازه شکفته

نه دستم بش میرسه نه خودش میفته

۱۵) ازدوازده هجایی فوق، با حذف هجای آخر، وزن یازده هجایی نایینی حاصل میشود:

ت ت ت - ت ت ت ت ت ت = تن تنا تن تن تن تن

دیزی از تن و ر آر و کمجه کی مینه تش و چان و نای و پجه کی

۱۶) و اگر هجای اول آنرا حذف کنیم، وزن معروف فهلویات حاصل میشود:

ت ت ت - ت ت ت = تن تنا تن تن تن

الا دختر که بابایت سگدایه دوچشم نرسست کارکجاید!

از دگر اوزان دیگری که از شاخهای دیگر پنج هجایی فوق بدست میآید صرف نظر میکنیم و یاد آور میشیم که عموم ترانه‌های عامیانه، طبق همین قواعد که ذکر شد، از یکدیگر منشعب شده است و اوزان شعر فارسی نیز، طبق همین تغیرات، از اوزان ترانه‌های محلی و مآل از اوزان شعر ساسانی ناشی شده و ما برای نمونه، منشاء اولین شعر فارسی بعد از اسلام را در اینجا بدست مبدھیم: بنوشه صاحب تاریخ سیستان، اولین شعر فارسی. بعد از اسلام، قطعه‌ای است که محمد وصیف هنری یعقوب لیث صفار در مدح او سروده است و مطلع آن این است.

ای امیری که امیران جهان خاص و عام چاکر و بند و مولا و سک بند و غلام

ل ل ل - ل ل ل - ل ل ل ل ل ل = تن تنا تن تن تن تن

و دو شعر هم از بسام کرد محمد مخلد نقل کرده که در همان وقت برای یعقوب ساخته‌اند، بداین دو مطلع:

۱- هر که نبود اوی بدل شهم براثر دعوت توکرد نعم

۲- جز تونزاد آدم حوا نکشت شیر نهادی بدل و برشت

ت ت ت ت ت ت ل ل ل = تن تنا تن تن تن تن

قطعه اول را در عروض بر فعلان فعلان فعلان.... وقطعه دوم و سوم را بر مفععلن مفتلن فاعلن میتوان تقطیع کرد و منشاء هردو وزن، یک ترانه هشت هجایی است که بردو مفتلن (=تن تنا) تقطیع میشود. مانند این ترانه شیرازی:

غمیز نه ور میز نه این ور و آنور میز نه

: - ل ل ل ل ل ل = تن تنا تن تن تن

یا: پشتنه باشہ زیر شه باش پستون پر شیر شه باش

و این وزن هشت هجایی در پشتھا موجود است:

تم او من تم یز تم : تن تنا تن تن

از تکرار هشت هجایی فوق، یک شانزده هجایی بدست میآید که با حذف هجای اول آن،

وزن شعر محمد وصیف حاصل میشود: تن تنا تن تنا تن تنا تن تنا . - / ل ل ل - ل ل ل ل ل

ل ل ل ل ل ل ل و از تکرار شطر آن با حذف هجای آخر، وزن شعر بسام کرد و محمد

مخلد پیدا میشود: تن تنا تن تنا تن تنا - ل ل ل ل ل ل ل ل ل / - و چون بعد از

حذف هجای آخر، هجای کوتاه در آخر واقع شده است به هجای بلند تبدیل می‌آید.

برای همه اوزان شعر فارسی منشای از ترانه‌های عامیانه وجود داشته است و اگر در اکاف ایران جستجو کنیم میتوانیم هموزن این منشاه را پیدا کیم، بعلاوه، چنانکه خواهیم گفت، اغلب اوزان از راه تغییرات مذکور در مقدمه این فصل، بایکدیگر مربوط است.

و - پایه‌های شعر فارسی

با اینکه در اشعار اوستائی موازنه و کیفیت هجا منظور نیست، معدّل بعلت وجود تکیه، باید حدود پایه‌ها از یکدیگر مشخص باشد و میتوان از نظر کلی آنها را مورد بررسی قرارداد و چون ممتاز نشان دادن رابطه پایه‌های شعر اوستائی با پایه‌های شعر ساسانی و مآل ترانه‌های عامیانه همانند کافی است که یکی از اوزان اوستائی، مثلاً یشتها را مورد مطالعه قرار دهیم اشعار همی میباشد کافی است که یکی از اوزان اوستائی، مثلاً یشتها را مورد مطالعه قرار دهیم اشعار یشتها، چنانکه آنکه شد، غالباً هشت هجایی است که به نسبت $4+4$ تقسیم شده و دارای دو شطر چهار هجایی است و یا به نسبت $3+5$ یا $5+3$ است که یک شطر آن پنج هجایی و دیگری سه هجایی است بنابراین در یشتها سه نوع شطر: سه هجایی، چهار هجایی و پنج هجایی وجود دارد. ابتدا به شطر پنج هجایی مپردازیم که معمولاً دارای دو تکیه است و بنابراین در ترکیب، دو پایه ریشه و جود ندارد که الزاماً یکی دو هجایی و دیگری سه هجایی میباشد و چون دو پایه دو هجایی و چهار پایه سه هجایی داریم، از ترکیب این دونوع پایه بایکدیگر، هشت صورت حاصل میشود: $2 \times 2 = 4$ و برحسب تقدم و تأخیر یکی بر دیگری، باید آنرا دو برابر کنیم یعنی: $16 = 2 \times 8$ بنابراین شطر پنج هجایی در اوستا از ۱۶ شکل خارج نیست و چون بعض اشکال، بعلت عدم تناسب و سنگینی تلفظ، قابل تقلید نبوده (اگر هم فرضیاً در اوزان اوستائی وجود داشته) بمروز زمان از میان رفته و تنها یازده شکل آن که قابل تقلید بوده، در ترانه‌های عامیانه باقی مانده و آن یازده شکل عبارت است از:

۱- تاتانا = $\underline{U} \underline{T} \underline{U} \underline{U}$:	اگر هوشه	همینم به
۲- تنان تا = $\underline{U} \underline{T} - \underline{U}$:	پرش عالیه	جبیش خالیه
۳- تاتان = $\underline{U} \underline{T} \underline{U} -$:	شکرپیره	باب امیره
۴- تاتاتا = $\underline{U} \underline{T} - \underline{U} -$:	تو جفتک بازی	لت اندازی
۵- تاتاتا = $- \underline{T} \underline{U} \underline{U} -$:	دمال گردی	دلمرا بر دی
۶- تاتا = $- \underline{T} \underline{U} \underline{U}$:	آش زغره هرگی بخوره دم در میره	
۷- تن تاتا = $\underline{T} \underline{U} \underline{U} - \underline{U}$:	بعجه کرمون شاه	بستون جاشه
۸- تن تاتا = $- \underline{T} \underline{U} - \underline{U}$:	شاخ نیلوفر	قدو بالا شه
۹- تن تاتا = $- \underline{T} \underline{U} \underline{U}$:	شاه هیچ گلا	رفته کر بلا
	نوشده گرون	یا کمن دو قرون

۱۰- تنا تن = ل ل ل ل :

بی بی در حرم آش پور کلم کاسه بر سرم افتاد و شکست خاک بر سرم

۱۱- تنا تن تا = ل ل ل ت : آی سبزی فروش سبزی کم فروش

پنج هجایی های فوق کمایش در ترانه های عامیانه موجود است و از تکرار آنها ترانه های ده هجایی درست نمی شود و اما شطرهای چهار هجایی اوستا چون هر شطر یعنی از دو نکیه ندارد، از دو حال خارج نیست: یا از دو پایه دو هجایی تشکیل یافته و یا اینکه یک پایه سه هجایی و دیگری یک هجایی است.

از حالت اول چهار شکل پیدا می شود: $4=2 \times 2$ و از حالت دوم، بر حسب اینکه پایه سه هجایی مقدم یا مؤخر باشد هشت شکل پیدا می کند یعنی: $=8=(4 \times 1)+(4 \times 2)$.

پس جمعاً شطر چهار هجایی، از دوازده شکل تجاوز نمی کند که پس از حذف اشکال مکرر و سنگین، فقط شش صورت زیر باقی میماند که در ترانه ها موجود است و عبارت است از:

۱- تنا تن = ل ل ل . ۲- تنا تن تا = ل ل ل ت . ۳- تن تا تن = ل ل ل ت .

۴- تنا تن = ل ل ل ل . ۵- تن تا = ل ل ل ل . ۶- تن تا تن = ل ل ل ل .
و از تکرار اوزان فوق بترتیب هشت هجایی های زیر درست شده.

۱- تا تا تا تا = ل ل ل ل ل ل :

آبدار حلول بی منته میوه با غ جننه (رجز)

۲- تا تا تا تا = ل ل ل ل ل ل :

چرام خمل نمی پوشی چرا بامان نمی چوشی (هزج)

۳- تا تا تا تا = ل ل ل ل ل ل ل ل :

بزرگ فمیر بهار میاد کمیزه و خیار میاد (رجز مکفوف)

۴- تنا تن تنا تن = ل ل ل ل ل ل ل ل :

میز نم چه چه بلبل که خرم بگذره از پل (رسل خفین)

۵- تن تنا تن تنا = ل ل ل ل ل ل ل ل :

عر میز نه و رمیز نه اینور و آن و رمیز نه (رجز سطوحی)

۶- تن تنا تن تنا تن = ل ل ل ل ل ل ل ل :

ناز نین قربان کت بیم قربان پاوان پت بیم (رسل سالم)

و از ترکیب دو شطر مختلف با یکدیگر، بر حسب حساب ریاضی، $36 \times 6 = 36 \times 4$ که بر حسب تقدم و تأخیر یک شکل بر دیگری، باید آنرا دو برابر کنیم می شود یعنی $36 \times 6 = 36 \times 4$ که بر حسب تقدم و تأخیر یک شکل بر دیگری، باید آنرا دو برابر کنیم

بعنی $2 \times 36 = 72$ ولی اغلب این اوزان تناسب و توازن لازم را دارانیستد وغیرا ز شش شکل فوق، چندشکل دیگر قابل تقلید و پیروی بوده که اهم آنها عبارت است:

۷- تا تا تنا تنا = $\underline{\text{U}} \underline{\text{L}} \underline{\text{U}} \underline{\text{L}} \underline{\text{U}} \underline{\text{L}}$:

پدر سرش توی تارش پسر بفکر تکارش (مجتث)

۸- تا تا تز تنا = $\underline{\text{U}} \underline{\text{T}} \underline{\text{U}} \underline{\text{T}} \underline{\text{U}} \underline{\text{L}}$:

کیه کیه در میز نه درو بلنگر میز نه (رجز مکفوف مطوفی)

۹- تن تنا تنا تنا = $\underline{\text{U}} \underline{\text{L}} \underline{\text{U}} \underline{\text{T}} \underline{\text{U}} \underline{\text{L}}$:

هر چه دره ببر دره ببغجه دست خرد ره (رجز مطوفی مکفوف)

اوزان نه کانه فوق را هرگاه با اوزان شعر فارسی مقایسه کنیم، با آسانی در میایم که اوزان شعر عموماً در اثر تغییراتیکه با آن اشاره شد، از همین هشت هجایها ناشی شده است.

* * *

قد کار:

با وجود کمال دقیقت معهذا در شماره سوم و چهارم گوهر، در مقاله آقای ادب طوسی اغلاطی بچشم میخورد که لازم است اصلاح شود:

۱- در ص ۲۵۹، سطر ۱۸ هوخته نادرست و صحیح آن هوختراست.

۲- در ص ۲۶۱، سطر ۵ ۱۲۹ بذوست نادرست، صحیح بذویست میباشد.

۳- در همان صفحه سطر ۵، اندرزی از داناکان اوگفت پشنیگان، غلط است و صحیح آن اینصوبت میباشد: اندرزی از داناکان از گفت پشنیگان.

۴- در همان صفحه سطر ۳۱ ۳۲ و ۳۳، در اول هر سطر: ومن غلط و صحیح وس است.

۵- در ص ۲۶۲ سطر ۱۷ آباد غلط است و آبار صحیح است - در سطر ۱۸ همان صفحه ابوالبنین نادرست و ابوالبنینی صحیح میباشد.

۶... در همان سطر ۱۹ میکند گندمند غلط و سمرکند گندمند صحیح است.

۷- در ص ۲۶۳ آخر سطر ۷ نمیتواند منشا غلط و نمیتواند منشا آن صحیح است.

۸- در همان صفحه سطر ۶ اندرزی داناکان غلط است و اندرزی هج داناکان صحیح است.